

کرد رجوع میکند در ضمن آن مقداری که ببع آن صحیح بوده است بیایع بتنهائی و حق رجوع بضامن ندارد زیرا آنکه ضمانت مقداری که صحیح بوده است ببع آن صحیح نبوده چه ضمانت مالم یجب است .

مسئله سوم

هرگاه ضامن ضمانت کند از برای مشتری در چیزی که خریده که اگر در آن غرس نمود یا احداث بنائی کرد و بعد مبیع مستحقاً لغير بیرون آمد و مالک آن غرس را بیرون آورد بانرا منهدم کرد ضامن از عهده آن برآید چنین ضمانتی باطل است زیرا که ضمانت مالم یجب حال الضمان است و بدیهی

است که مشتری قبل از بناء یا غرس بلکه بمذاق بناء و غرس هم استحقاقی ندارد بلکه بعد از قطع و قلع ایجاد استحقاق برای او میشود پس نمیتواند رجوع بضامن کند بلکه اگر خود بایع هم ضمانت قطع و قلع غرس و یا بناء کند صحیح نیست تاچه خواسته اجنبی ضامن شود زیرا که ضامن بودن بایع مبیع را بحکم شرع مقتضی نیست صحت ضمانت او را که مشروط به تحقق حق است بالاخره در حین ضمانت حقی بر ذمه او تعاقب نگرفته تا ضمانت او صحیح باشد قانون مدنی هم در ماده ۶۹۱ بطور اجمال اشاره نموده که ضمانت دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است .
عبدالحسین ناشر

در بیع

ترجمه از کتاب شرح البیع تألیف محمد حلی عسکری

بیع چیست ؟

اصل بیع معاوضه و مبادله است و آن اولین قسم از معاملاتی است که بشر آنرا شناخته است .
چون انسان بالطبع مخلوقی است اجتماعی بنا بر این بزندگانی انفرادی قادر نبوده و نمیتواند بدون کمک بنی نوعش حوائج خود را تهیه کند پس بالفطره هر شخص بمعامله با نوع خود ارگرفتن مایحتاج و دادن چیزی که آنرا لازم نخواهد داشت در مقابل و عوض آن چیزی که بآب احتیاج دارد ناگزیر خواهد بود این تبادل که انسان آنرا از اول ایجادش شناخته همان معاوضه و مبادله است ولی بتدریج عیب این نحوه از تبادل در نزد بشر ظاهر شد و دشواری هائی که این قسم معامله در بردارد در نظر گرفت زیرا کمتر اتفاق میافتد که طالب جنس مالک باشد چیزی را که طرف احتیاجش نیست تا بآن چنانی که طلب است معاوضه کنند و هر قدر عده

انسان زیاد تر شد دشواری معاوضه جنس بجنس بدلیل مذکور فوق افزون تر گشت و همه آنها بفکر اقتادند که برای عوض مبیع جنسی که فایده اش عمومی باشد و همه فروشندگان راغب آن باشند اتخاذ شود از این رو اذهان متوجه معدنی های گران بها گردید که آنها را واسطه معاملات قرار دهند لکن در بدو امر آن معدنی ها را بوزن میزان میزنند و مدتی بدین متوال معامله در میان بشر معمول بود تا پس از انتشار تمدن و انتظام ملل و تشکیل دول منظمه معدنی های موزونه را هم مناسب واسطه معاملات که در روز بروز رونق و انبساط میبردند دانسته و همگان تصمیم گرفتند که معدنی ها را با تعیین وزن و عیار و قیمت بصورت سکه مضرور در آورند و مباشرت این کار را هم (برای تضمین معاملات در میان مردم) بمهده حکومت قرار دادند و بدرجه رسید که هر فردی از انسان که قطعه از نقره طلا یا نقره یا فلز دیگر را مشاهده مینمود قدر و میزان و قیمتش را که مساری با چه مقدار طلا و نقره یا فلز دیگر است دانست

منشاء بیع

پس از آن معامله با پول و عقود در میان مردم منتشر و ایجاد بیع گردید پس بیع صورتی است از اقسام مبادله و کم کم این نحوه از معامله که بیع نامیده میشود در بین ملل حیه و راقبه شایع و روز بروز دائره معاوضه و مبادله در نزد آن تنگ تر گردید ولی در عین حال مقررات جاریه مبادله ملك بملك یا مسكن بمسكن دیگر را در مواقعی که جوار بودن یا افزای ملك آنرا اقتضای کند جایز دانسته و بنا براین مبادله بکلی از بین نرفته است *

فرق بین بیع و مبادله

موجباتی که مبادله را از بیع ممتاز میدارد:

(۱) - صرفه جوئی عوارض ثبت است چنانچه در عقد مبادله رسوم از بزرگترین بدلها اخذ میشود لکن در بیع عراض هر ملك جداگانه گرفته خواهد شد *

(۲) - در مبادله بر طبق ماده ۵ قانون مصوب ۲۳ مارس ۱۹۰۱ اخذ سه شفعه جایز نیست لکن در مبادله جایز است *

اما مبادله در منقولات تقریباً از بین رفته و اثری از آن نیست مگر در ممالکی که تمدن و تجارت در آنجاها تعمیم نیافته مثل بعضی از نواحی سودان که اهالی آنجا محصولات اراضی خود و چیزهای دیگری را که دارند از قبیل پرشر مرغ و آبنوس و صمغ و غیره را در مقابل قماش و مصنوعات دیگر که مورد احتیاجشان است معاوضه میکنند ولی در آن نواحی هم به نسبت پیشرفتشان در تمدن متدرجاً مبادله از میان خواهد رفت *

بیع یا مبادله نمونه عقود ناقله ملك معوض هستند زیرا فروشنده چیزی را که عرضه میکند عوض آن را میگیرد و این عوض ملکیت او درآمده و جای مبیع را گرفته است حال اگر عوض نقد باشد عقد بیع خواهد بود و هرگاه منقول باعقار باشد معاوضه است بیع مشهور تر و متداول ترین عقود معینه

بین مردم است و از همین جهت شارع مصر آن را در اول فصل از کتابی که بنام عقود معینه معنون است ذکر کرده * بیع از عقود مباحثه است لکن گاه مصلحت عامه مقتضی است که قوانین جاریه مباح بودن آنرا مقید کنند مثل آنکه دولت و حکومت وقت تر بیع جنس معینی را مایل است پس عوارض و رسوم گمرکی واردات آن جنس را زیاد میکند بطوریکه گاه عوارض آن بقدر قیمت ثمن اصلی است و گاه هم از اصل قیمت زیاد تر میشود و این قبیل اقدامات حکومت البته در آزادی تجارت داخلی و ملی مؤثر خواهد بود گاه میشود که دولت مبادله آن جنس را منع میکند و گاه هم حکومت وقت مقتضی میدانند که بعضی اجناس را احتکار نماید یا امتیاز فروش آن جنس را بطائفه مخصوصه یا شرکت معینی بدهد بنا براین در واقع حکومت فروش آن جنس را برای دیگران منع نموده است مثل احتکار نمک و باروت و گاه هم قانون باین حد از تقیید متوقف نمیشود بلکه بیع جنسی را بطور قطع از نقطه نظر بهداری یا منفعت عمومی منع میکند مثل بیع حشیش چنانچه امر عالی از حکومت مصر در ۱۰ مارس ۱۸۸۴ راجع ببیع حشیش صادر نشده یا بنده فروشی که بر حسب معاهده واقعه بین دو حکومت مصر و انگلیس در ۲۱ نوامبر ۱۸۹۵ تجارت نامبرده ممنوع گشته است * یا بیع آثار تاریخی که مبادله آنها نیز بر حسب امر صادر از حکومت در سال ۱۹۱۲ ممنوع شده است *

بیع در شریعت اسلام

بیع ثابت است هر عا بدلائل زیر:

۱ - بحکم کتاب که اقال الله تعالی (واحل الله البیع)

یعنی خداوند حلال گردانید بیع را *

۲ - بدلیل سنه و خیر چنانچه حضرت رسول فرموده

« یا معشر التجاران بیعکم هذا یحصرة اللغو والکذب

فشوبوه بالصدقه » حضرت مبادله بین ناس را بر طبق خبر

فوق تصدیق نموده است *

۳ - بدلیل اجماع است *

ترتیب معلوم است نظام و بقاء عالم چگونه دچار اغتشاش و
هرج و مرج خواهد شد .

بیع از عقود مباحه است و در نزد قانون دانان احتکار
اجناس و خودداری از فروش آنها کراهت دارد زیرا مردم
نوعاً بکالاها احتیاج دارند پس احتکار کالا هائی که مورد
حاجت عمومی است مانع رسیدن حق مستحقش می باشد که
قطعاً ظلم است و بهمین مناسبت در چنین مواردی حکومت
برای رفع ظلم امر بفروش آن کالاها را میدهد .
ابراهیم معارف طالقانی

و حکمت آن در نزد فقهاء بقاء نظام معاش و نظام
عالم است از آنجا که خدای متعال عالم را بر بهترین نظام
ایجاد و کار معاش دنیا را بر نیکوترین احکام بنا نهاده نظام
عالم بدون بیع و ترا غیر ممکن است چه آنکه کسی بشنهایی
قادر نیست تمام مایحتاجش را فراهم نماید و ناگزیر است
نواقصی را که دارد بوسیله بیع بدست آورد اگر مال مورد
احتیاج را صاحبش باو نفروشد کار بسؤال و التماس کشیده
شده و یا بقهر و غلبه مال از دست متصرف خارج می شود و
ممکن است سرانجام کار بکشته شدن صاحب مال برسد و باین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی